

رسالت روشنفکر و نزاع سنت و تجدد در رمان نفرین زمین

دکتر ابراهیم رنجبر

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

رمان نفرین زمین داستان نزاع تجدد با سنت و روشنفکر با حکومت و سند شکست روشنفکر و سنت است. آل احمد این رمان را برای ایفای رسالت روشنفکری که برای خود قایل بود، نوشته است. وی در این رمان به بهانه نقد اصلاحات ارضی، با تجدد و دین‌سازی در برخی محافل فکری و سیاسی، و با اقتصاد بورژوازی مخالفت می‌کند. بدین جهت رمان در برخی قسمت‌ها به یک بیانیه سیاسی تبدیل می‌شود. گاهی نیز واقعیت‌ها مغفول می‌مانند چنان که گویی نویسنده نمی‌خواهد آن‌ها را ببیند. در نتیجه نظریات و تئوری‌های اجتماعی او تعمیم نمی‌یابند. در این نوشته درصددیم که رسالت روشنفکر و مفهوم تجدد را از دیدگاه او بررسی کنیم و تئوری اجتماعی او را با برخی مدل‌های معروف تبیین در علوم اجتماعی، تطبیق دهیم و ضمن اشاره به تقابل سنت و تجدد که در رمان مطرح شده است، طرح جامعه مطلوب او را ترسیم کنیم. حاصل این بررسی این است که تئوری اجتماعی وی فقط با یک مدل قابل تطبیق نیست بلکه برای تبیین آن باید از چند مدل استفاده کرد؛ تمام نظریات او صائب و قابل دفاع نیستند و برخی ضعف‌هایی دارند؛ او بیش از این که قصد تئوری‌پردازی و ارائه راه حل داشته باشد، به حکم التزام رسالت روشنفکری با وضع موجود مخالفت می‌کند.

کلید واژه‌ها: نفرین زمین، جلال آل احمد، روشنفکر، تجدد، تبیین، سنت.

مقدمه

آل احمد اعتقاد دارد که روشنفکر است و رسالتی سنگین دارد. روشنفکر مورد نظر او صاحب قلمی است انقلابی^۱ و فارغ از **تعبد** و **تعصب** که پیوسته کار فکری می‌کند و حاصل کارش ناظر بر عزت و آزادی و آگاهی و آسایش توده است.

مقصود آل احمد از روشنفکر انقلابی این است که پیوسته از وضع موجود ناراضی است و «در شرایط مختلف اقتصادی و اجتماعی به قصد برقراری حکومت عدل قیام می‌کند و تابع شرایط مکانی و زمانی خود نیست» (آل احمد، ۱۳۵۷: ۱۶۸/۱-۱۶۹) و در عین حال کوشش انقلابی او «از هر گونه شائبه قصد جلب نام و امتیاز مادی دور است» (همان: ۳۷/۱).

غرض وی از تعبد، تبعیت برخی از روشنفکران از قدرت‌هاست اعم از داخلی یا خارجی. یکی از مصداق‌های تعبد، از نظر آل احمد، این است که بارها در آثار خود اکثر اعضای حزب توده را متهم کرده است که از سیاست‌های خارجی حزب کمونیست شوروی تبعیت می‌کنند. آل احمد هر جا که از تعبد روشنفکر سخن می‌گوید گوشه چشمی به حزب توده دارد.^۲

تعصب مفهوم دوگانه دارد. دوگانگی مفهوم تعصب برخاسته از برداشت دوگانه آل احمد از آن است. در یک مفهوم باید «روشنفکر آزاد از قید تعصب یا تحجر مذاهب [و تفکر حاکمیت] لوح ازل و قلم و تقدیر» (همان: ۳۰/۱-۳۱) بر سرنوشت آدمی باشد. این، مصداق تجدد^۳ و از شروط اصلی روشنفکری است و قریب به اتفاق روشنفکران مبلغ آنند. در مفهوم دوم، از نظر آل احمد، اکثر روشنفکران ایرانی به «ملاک‌هایی که از *متروپل*^۴ با خود آورده‌اند»^۵ (همان: ۴۴/۱-۴۶)، تعصب می‌ورزند و مذهب و اعتقادات را تضعیف می‌کنند و ایران را به سوی غربزدگی سوق می‌دهند، در حالی که مذهب نه تنها سدی شکست ناپذیر در مقابل نفوذ استعمار است، بلکه سلاح بُرنده‌ای است علیه ظلم، به شرطی که از آن در مجرای صحیح استفاده شود (همان: ۷۸/۱، ۸۰، ۸۱ و ۱۱۱). در واقع آل احمد از مفهوم اول اغماض می‌کند و کسانی را که از دید او نسبت به «ملاک‌های *متروپل*» پافشاری می‌کنند، در معرض طعن و طرد قرار می‌دهد. بدین ترتیب یکی از مصداق‌های تعصب را می‌توان در پافشاری روشنفکران بر تحقق تجدد در ایران جست^۶ که آل احمد با آن مخالف است.

در این جا غرض از تجدد هر رفتار یا شیء یا امر مادی یا صنعتی یا فرهنگی است که از ممالک صنعتی به ایران می‌آید، خواه در ایران مشابه و معادل نداشته باشد و نو تلقی شود و خواه مشابه و معادل داشته باشد و عرصه را بر مشابه خود تنگ کند.^۷ اما باید گفت که مفهوم تجدد در تمام محافل فکری یکسان نبود. «اندیشه تجدد در محیط فقها و متشرعاً عوام... به عنوان نوعی قطع ارتباط با سنت‌ها تلقی می‌شد» (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۶۱۸/۲) به عبارت دیگر، «نفوذ تدریجی غرب اساس عقاید سنتی اسلام را تهدید می‌کند»^۸ (همان: ۶۱۷/۲). اما در محیط رجال سیاسی مظاهر تجدد را باید در جاذبه علوم و صنایع و نظام‌های اداری و تجاری غرب جست. در این حوزه «جاذبه علوم و صنایع اروپایی... چنان شد که... [به قول ملکم خان] هر کسی را که دو روز در کوجه‌های فرنگستان می‌گردید، شخص او را مجمع کل اطلاعات و قول او را سند جمیع تحقیقات قرار می‌دادند.» بدین ترتیب نفوذ غرب با چهره‌ای مترقی و مقتدر قرین مظاهر تجدد گشت و غلبه آن، غلبه علم و صنعت تلقی شد نه غلبه یک قدرت نامشروع. بدین ترتیب بعد از دو جنگ جهانی و روشن تر شدن اهمیت حیاتی نفت، بر شدت و وسعت و عرصه‌های جریان نفوذ غرب در ایران روز به روز افزوده شد.

آل احمد، برای حفظ پایگاه ضد غربزدگی، یعنی سنن بومی، با تجدد مخالفت می‌کند. وی معتقد است که در محافل روشنفکری ایران، مانند غرب، ابعاد وجود انسان و جامعه و تاریخ را در چارچوب عقل مقید در حصار تجارب حسی و تفکر علمی خلاصه می‌کنند: «ابزار کار آدمی معرفت شخص او است پس زبان چه می‌شود؟ و تاریخ؟ و مذهب؟ و آداب؟» (آل احمد ۱۳۵۷: ۸۶)؛ به داس علوم تجربی که منشأ آن در سرزمین بیگانه است، اندیشه‌ها و باورهای شاعرانه و دینی را درو می‌کنند و در نتیجه دین و عرفان عاطل تلقی می‌شوند: «این روزها همه می‌نشینند پای نقل رادیو [نه پای نقل ملا و درویش]» (همان: ۱۹-۲۰ و ۲۲)؛ با آمدن مدرسه نو، به حقیقت، مرگ مکتب‌دار ده، صاحب این باور فرامی‌رسد که: «صدای آسیاب موتوری نمی‌گذارد که فرشته خواب وارد ده شود» (همان: ۱۸۱). به موازات گسترش زندگی ماشینی و فرهنگ تجاری، نظام فئودالیت^۹ به نظام اقتصادی نوین تحول می‌یابد: «دیگر ده نان شهر را نمی‌دهد... اختیار دست کمپانی‌هاست... نفت را می‌برند ماشین می‌دهند... ابزار کار آدمی دارد عوض می‌شود» (همان: ۷۹ و ۸۴)؛ رعایای دیروزی

که جزو اموال مالکان محسوب می‌شدند، در کارخانه‌ها کارگران کمپانی‌ها می‌شوند: «از ده کوچ می‌کنند... در عوض شهرها پر می‌شود» (همان: ۸۲)؛ به دنبال تحولات حاصل از تجدد وابستگی فرهنگی و سیاسی و غربزدگی حکومت با تمام تبعات شومش پیش می‌آید؛ نظام‌های ضامن استقلال و امنیت کشور تبدیل می‌شوند به وسایلی برای تامین اسباب نفوذ بیگانه و سرکوب هر نوع رفتار و حرکت معترض، کما این که ژاندارم معترضان تاسیس مرغداری را به زندان می‌برد (همان: ۳۰۴)؛ بدین ترتیب قضاوت او این است که تجدد نوعی قطع ارتباط با زبان و فرهنگ و تمدن و تاریخ و سنت و عقاید اسلاف است. در سلوک اجباری راه تجدد ایران کهن را ویران می‌کنند تا بنای جدید متناسب با مقتضیات تجدد بسازند. البته این مختصر کل نظریاتی نیست که او مطرح کرده است. آل‌احمد برای بیان این گونه مسائل و ساده‌تر کردن آن‌ها قالب رمان را انتخاب کرده است و در این رمان به بهانه نقد یکی از نتایج تجدد، یعنی اصلاحات ارضی،^{۱۰} کل مظاهر تجدد را در معرض نقد و طرد گذاشته است.

۱- موضوع و مضمون رمان نفرین زمین

به تصریح آل‌احمد نفرین زمین (چاپ اول ۱۳۴۶) «سرگذشت معلم دهی است... به قصد گفتن آخرین حرف‌ها درباره آب و زمین و... وابستگی اقتصادی به کمپانی و... ارزیابی دیگری خلاف اعتقاد عوام سیاستمداران و حکومت از قضیه فروش املاک که به اسم اصلاحات ارضی جایش زده‌اند» (۱۳۵۶: ۵۴).

موضوع^{۱۱} این رمان زندگی معلمی است که برای تدریس پایه پنجم ابتدایی وارد دهی می‌شود که نماینده تمام ده‌های ایران است و پس از یک سال تدریس با مقداری خاطره از ده یا به عبارت دیگر از صحنه داستان خارج می‌شود. این معلم نیز مانند معلم رمان مدیر مدرسه از فقر و ناداری معلم شده است (رک. آل‌احمد، ۱۳۷۳: م: ۵۹-۶۰ و ۱۳)^{۱۲} مضمون^{۱۳} آن بررسی و اظهار نظر در مورد تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران است. آل‌احمد با این تحولات مخالفت می‌کند و آن‌ها را منشأ مسائلی می‌داند از این قبیل: به خواست بیگانگان، غربزدگان و سرسپردگان به ارزش‌های غربی زمام امور را به دست می‌گیرند و نظام اقتصادی مطلوب آنان را توسعه می‌دهند؛ حکومت طالب تحولات، ناگزیر از مردم نگهبان سنت فاصله می‌گیرد و از طرفی به بیگانه

متکی می‌شود و از طرف دیگر به ادیان غیر مرسوم پناه می‌برد، کما این که واگذاری زمین مرغداری به یک نفر یهودی بهایی شده، یکی از مصداق‌های اتکای حکومت به بیگانگان است (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۲۶۵-۲۶۸)؛ اقتصاد بورژوازی و مصنوعات غربی عرصه را بر نظام اقتصاد سنتی و صنایع ضعیف روستایی چنان تنگ می‌کنند (همان: ۳۰) که مردم ناگزیر از روستاها مهاجرت کرده، به خیل مصرف‌کنندگان متاع خارجی در شهرها می‌پیوندند و حکومت با اجرای غلط برنامه اصلاحات ارضی این تحول را تسریع می‌کند (همان: ۲۴)؛ بر اثر این تحولات درآمد یک دفتر وکالت در شهر، چندین برابر درآمد یک ده است (همان: ۸۴)؛ بخش اعظم درآمد ناچیز روستاها را مالک‌زادگان در شهرها یا کشورهای خارج مصرف می‌کنند: «این شندرغاز [درآمد ده] خرج تحصیل برادرم می‌شود که فرنگ درس می‌خواند» (همان جا)؛ تولید و مصرف جای ارزش‌های مألوف را می‌گیرد و ارزش هر کسی با میزان مصرف او سنجیده می‌شود (همان: ۵۹ و ۸۶). در نتیجه روستاییان قشری فراموش شده محسوب می‌شوند (همان: ۱۰ و ۷۹) و برای ورود به داخل این کاخ شرف باید زراعت و دامداری را به کارگری صنعتی بفروشند و به خیل مصرف‌کنندگان شهر بپیوندند (همان: ۸۲). آن‌گاه ایرانی ناچار است در کنار ماشین،^{۱۴} گوشت و گندم وارد کند (همان: ۷۹-۸۱ و ۸۶)؛ وام تعاون روستایی به مصرف‌گرایی و شهرنشینی اهل ده منجر می‌شود و پای مصنوعات خارجی را به خانه روستاییان باز می‌کند (همان: ۲۶۱-۲۶۴ و ۲۶۹)؛ بر اثر تحولات تحمیلی، امور جامعه چنان پریشان می‌شود که سرهنگ ارتش کشاورزی می‌کند و روستازادگان به درجه‌داری ارتش پناه می‌برند (همان: ۲۳۵)؛ تنها چشم‌انداز آتیه این است که ایران به بازار بزرگ مصرف مصنوعات غربی بدل می‌شود (همان: ۲۲۰-۲۲۵).

از نظر آل‌احمد هیچ یک از این مسائل زمینه بومی ندارد بلکه همه نتایج ساختارهای^{۱۵} اجتماعی جدیدند. در این میان حکومت را سامان‌بخش نظام‌های جدید و قدرت مرکزی را برهم‌زنندگان نظام‌های سنتی قلمداد می‌کند ولی در عین حال رفتارهای احزاب و روشنفکران را از بابت ستیز با سنن ملی تقبیح می‌کند. در مقابل آن‌ها از توده مردم رفتار اختیاری ناظر بر مآل اندیشی و حفظ منافع شخصی به نمایش نمی‌گذارد و در عین حال از تقبیح آنان لب فرو می‌بندد (همان: ۲۶۹). ضمن در افتادن با عوامل و وسایط مؤثر، در صدد است شرایط مقدم و تمهیدات کافی برای ایجاد

تحولات اجتماعی و خودباختگی فرهنگی ایرانی را، با فرض وجود نظام‌های قانون‌مند موجود میان پدیده‌های ایجاب‌کننده و مراحل تحول، معرفی و اثبات کند. به نظر او شرایط مقدم، غربزدگی حاکمان و تمهیدات کافی، ورود ماشین و فرهنگ آن است.

۲- تئوری اجتماعی آل‌احمد در باب نزاع تجدد با سنت

از دیدگاه آل‌احمد تحولاتی که در ایران از نزاع سنت و تجدد در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌شود، تابع یک نظام علی است. برای انتظام بخشیدن به روابط میان تحولات و علل و عوامل آن‌ها، آن‌ها را در قالب یک تئوری^{۱۶} می‌نویسیم با این مراحل: غربزدگی حاکمان → فروش نفت → ورود ماشین → مصرف‌زدگی → عدم تعادل بین شهر و روستا → مهاجرت روستایی به شهر → گسترش شهرنشینی → مغفول ماندن زندگی شاعرانه سنتی و اساطیر و دین → تزلزل فرهنگ مردم → از دست رفتن استقلال کشور در غالب عرصه‌های زندگی → احساس حقارت مردم در مقابل عظمت ماشین و قدرت فرنگی.^{۱۷}

بلافاصله باید گفت اگرچه مراحل و جزئیات این تئوری در آثار آل‌احمد پراکنده‌اند و از بررسی و جمع‌آوری آن‌ها این انسجام ایجاد شده است، تمام این مراحل در این رمان مصداق دارند چنان که گویا آل‌احمد این رمان را بر مبنای همین تئوری نوشته است. این تطابق را به اختصار توضیح می‌دهیم:

سند غربزدگی حاکمان این است که از زبان پسر مالک ده می‌گوید: دور، دور رونق بازار و تجارت است نه کشت و کار، زیرا اختیار اقتصاد کشور دست کمپانی‌های خارجی است نه ایرانی (همان: ۷۹-۸۰). کمپانی‌ها نیز برای کالاهای خود بازار می‌جویند. فروش نفت نیز آن قدر بدیهی تلقی شده است که نویسنده خود را بی‌نیاز از اشاره دیده است.

مصداق‌های ماشین عبارتند از: کامیون، تراکتور، مرغداری صنعتی، چاه عمیق، آسیاب موتوری، برق، رادیو، چرخ کره‌گیری و تیغ پشم‌چینی.

کامیون مهاجرت را آسان می‌کند. با آمدن تراکتور روستاییان گاو را می‌فروشند و اجاره تراکتور را می‌پردازند و همچنین باید به جای سوخت حاصل از گاو، نفت بخرند. از مشاهده تولیدات مرغداری صنعتی، ایمان مردم نسبت به قدرت خدا، مقرون به تردید می‌شود. چاه عمیق که در

انحصار اشراف است، نظام متشکل بر هسته فئات را بر هم می‌زند و نظام جدید و کمبود آب موجب اختلافات و مهاجرت مردم می‌شود. آسیاب موتوری با عاقل کردن آسیاب‌های سنتی موجب بی‌کاری و اختلافات می‌شود و بنیاد باورهای عامیانه و شاعرانه را بر هم می‌زند. برق هزینه زندگی را افزایش می‌دهد. رادیو با تبلیغات جهت‌دار، روستایی را به مهاجرت تشویق می‌کند. سهولت کار با چرخ‌کره‌گیری باعث می‌شود که روستایی با پول وام این گونه محصولات غربی را بخرد.

نمونه‌های مصرف‌زدگی را نه در روستا بلکه در خانواده‌های روستاییان شهرنشین شده از جمله پسر مالک ده می‌بینیم که هزینه‌های جنبی سنگینی دارند (همان: ۹۲)؛ روستایی در جست‌وجوی رفاه به شهر مهاجرت می‌کند؛ شهرها جهت فروش کالاهای غربی گسترش می‌یابند؛ در زندگی روستایی مردم از خاک مستقیماً به افلاک متصل می‌شود و افکار و باورهای آسمانی و شاعرانه و منطق با امیال و آرزوهای طبیعی و بلند برای خود می‌سازد اما در لابه‌لای کار ماشین جز با واقعیت بی‌ترحم چیزی نمی‌یابد. در نتیجه بنیان‌های باورهای عامیانه و اعتقادات سست می‌شوند؛ وقتی که ماشین حیات معنوی و مادی ایرانی را رقم می‌زند، ایرانی در مقابل سازنده ماشین‌های غول‌پیکر احساس حقارت می‌کند. حاصل این همه این است که با ورشکستگی اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مواجه می‌شود. از بین رفتن استقلال را به رمز چنین بیان کرده است که روز مرگ مالک ده (نابودی زمین‌داری) یک نفر یهودی‌بهایی شده که در زمین‌های ده مرغ‌داری احداث کرده است، در عزاداری شرکت می‌کند (همان: ۳۰۵) و این یعنی پس از نابودی سنن ملی امور حکومت و اقتصاد به دست بیگانگان و نامسلمانان خواهد افتاد. آل‌احمد تمام این‌ها را در جبهه تجدد و دشمن سنن توصیف و تبیین می‌کند.

برای ارزیابی تئوری آل‌احمد آن را با سه مدل رایج تبیین^{۱۸} در علوم اجتماعی تطبیق می‌دهیم تا جایگاه نظریات اجتماعی او روشن‌تر شود. غرض از تبیین یک پدیده این است که فلسفه وجودی آن را بر حسب علل یا عوامل یا فواید آن یا معانی موجود در آن یا اهداف پدیدآورندگان آن، در چارچوب یک قانون یا نظم قانون‌مند تعریف و توجیه کنند، به شرطی که هم قابل ردّ و اثبات و هم لایق تعمیم به پدیده‌های مشابه باشد.

۲-۱- بی توجهی به معانی رفتارهای ایرانیان (مدل اول)

یکی از مدل‌های تبیین پدیده‌های اجتماعی تفسیر معانی رفتارهای فاعلان آنها است. تفسیر یعنی سرچشمه‌های افعال فردی و جمعی را در اعماق جان و فرهنگ آدمیان جستن. پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیانند. آدمیان فاعلانی هستند که ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، قابلیت‌ها، محرک‌ها، موانع و عناصری از این قبیل که همه برخاسته از فرهنگ اجتماعی و ذات سودجوی مادی و معنوی عاقلانه و مختار انسان است، بر افعالشان حاکمیت دارد. در واقع فرض این است که آدمیان به حکم عقل فردی و جمعی در چارچوب اعتقاداتشان نسبت به شقوق ممکن و عواقب محتمل، آن شقی را بر می‌گزینند که برای رسیدن به آمالشان بهترین راه ممکن باشد. در این مدل کار تفسیر کننده این است که معلوم کند معنی یا اهمیت افعال اجتماعی برای فاعل چیست. در این تئوری آل‌احمد اصل را فرومی‌نهد و شهرنشین شدن را خارج از اراده روستاییان نشان می‌دهد.

یکی از مصداق‌های عمده این مدل تبیین در دیدگاه اجتماعی آل‌احمد را در مضمون این رمان باید جست. بخشی از مضمون این رمان را تقابل روستا و شهر تشکیل می‌دهد. آل‌احمد در پشت ظاهر آرام روستا، نگرانی‌ها و اضطراب‌هایی را نشان داده است که بخش اعظم آن حاصل سرایت آثار صنایع نوین به روستاها و سیاست‌های حکومت در توسعه بخشیدن شهرها در ازای اضمحلال تدریجی فرهنگ و سنن و تولیدات روستایی است. او در این رمان «دگرگونی، آشفستگی و واژگونی ساخت‌های اقتصادی- اجتماعی و نیز آشفستگی اخلاقی و روانی انسان‌های این جامعه را در یک دوره دگردیسی شتاب‌آلود، یعنی اصلاحات ارضی، نشان می‌دهد» (مصباحی‌پور، ۱۳۵۸: ۱۷۹).

آشفستگی اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و بدتر از همه، فرهنگی ده که نهایتاً به زیانمندی ایرانیان به نفع کمپانی‌های خارجی منجر می‌شود، از تقابل سه شخصیت‌واره داستانی: حکومت، شهر و ده، ایجاد می‌شود. در این رمان «روستای نمونه‌وار» (همان: ۱۹۱) که «دهی مثل همه دهات ایران» (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۱۰) است، در حقیقت تجمیع تمام عشایر و دوره‌گردها و روستاییان در قالب واژه ۵۵ است؛ رادیو که نقشی مهم در رمان دارد، سخن‌گو و نماینده حکومت محسوب است؛ شهر با محوریت بازار و سرمایه‌سالاری، نماینده کمپانی‌های خارجی به شمار می‌آید. بدین جهت این‌ها

را شخصیت‌واره نامیدیم تا حقیقت نقش‌های این عناصر داستانی آشکارتر شود. میان این شخصیت‌واره‌ها نوعی تنازع هست شبیه تنازع اجتماعی: هر که قوی‌تر و چاره‌گرت‌تر، غالب‌تر؛ رادیو پشتیبان شهر و شهر رقیب ده است. بنابراین، هر قدر که شهر فربه‌تر می‌شود، ده لاغرتر می‌شود. یکی از علل لاغر شدن ده، مهاجرت مردم به شهر است. آل‌احمد دلیل مهاجرت را در علل و عوامل بیرونی می‌جوید و همتی به خرج نمی‌دهد تا بداند که اهمیت افعال اجتماعی روستاییان مهاجر یا روستاییانی که اشیای عتیقه خود را می‌فروشدند تا ماشین پشم‌چینی بخرند یا مشک سنتی را بدل به چرخ کره‌گیری می‌کنند یا کارهایی از این قبیل می‌کنند، چیست.

در این رمان شخصیت‌واره شهر ذاتاً نه فاعل است و نه می‌تواند باشد. صرفاً مظهر جاذبه‌های خاص جامعه نوین است. اما شخصیت‌واره رادیو صاحب افعالی است قایم به اراده و مشیت سیاسی حکومت؛ حکومتی که برای جلب رضایت قدرت‌های خارجی می‌خواهد ایران را بازار کالاهای صنعتی خارجی کند (و برای این امر دلایل و انگیزه‌هایی دارد که خارج از این مقال است). با مهاجرت روستایی به شهر، این بازار گرم‌تر می‌شود.

از نظر آل‌احمد این گونه علل و عوامل بیرونی موجب می‌شوند که روستایی به شهر مهاجرت کند. اما باید گفت که این‌ها تمام دلایلی نیستند که بتوانند موجبات مهاجرت را فراهم کنند. تنگی معیشت و بسته بودن راه‌های کسب و نهایتاً فقر مردم، از جمله عوامل فرهنگی و انگیزه‌های درونی هستند که روستاییان را به مهاجرت به سوی مکان‌های مستعد کسب و درآمد تحریک می‌کنند. پس می‌توان گفت که آل‌احمد بنا به عللی خاص، در تفسیر علل تحولات فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، هنج‌ارها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و عناصری از این قبیل، سیاست‌های حکومت را دخیل می‌داند حال آن که این‌ها بیش از سیاست‌های حکومت و عوامل اقتصادی بیرونی، مرهون انگیزه‌های باطنی و ذاتاً زاده عقل معاش‌جوی آدمیند. طبعاً تبیین‌کننده پدیده مهاجرت، باید به «معانی افعال» زاده این سائقه‌ها اعتبار لازم را بدهد. اما می‌توان گفت که نویسنده این رمان در ساختن و به کار گرفتن سه شخصیت‌واره رادیو و ده و شهر، نتوانسته بی‌طرفی خود را معتبر دارد و مسیر داستان را به حال خود رها کند تا شخصیت‌واره‌ها به اقتضای کارکرد اجتماعی خود، مسیر داستانی خود را طی کنند.

۲-۲- بی‌توجهی به تبیین خدمتی پدیده‌ها (مدل دوم)

تبیین یک پدیده ممکن است به اعتبار «خدمت»ی باشد که به جامعه می‌کند و آن را «تبیین خدمتی» نامند. «تبیین خدمتی شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کند... تبیین خدمتی هر پدیده تبیینی است که علت (مبیین) را در دل نظامی متفاعل می‌نشانند که خود در حال تعادلی دینامیک یا تحولی کنترل شده است و حضور هر جنبه یا عنصر را بر حسب اثر سودمندی که برای کل نظام دارد، تبیین می‌کند... و هدفش این است که نشان دهد فلان عامل^{۱۹} در کل نظام اجتماعی یا فرهنگی چه نقشی بازی می‌کند»^{۲۰} (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۵۱-۱۵۲ و ۱۵۶).

در این میان برخی از اشیا کارکردی فراتر از کارکرد یک شیء عادی دارند. مثلا کارکرد کامیونی که در رمان مدیر مدرسه سوخت می‌آورد با نقش کامیونی که در این رمان نعش مالک ده را به قم می‌برد، کاملا متفاوت است. در این جا کامیون، تراکتور، مرغداری صنعتی، چاه عمیق، آسیاب موتور، برق، رادیو، چرخ کره‌گیری، تیغ پشم‌چینی، هر یک به نحوی متفاوت، نماینده کارکرد کمپانی علیه سنن اقتصادی و فرهنگی محلی، و هر کدام به نوعی خاص نمادی از جلوه‌های تأثیر فرهنگ و تمدن و اقتصاد غرب بر ایران است. کامیون نماد پیروزی اقتصاد صنعتی غرب بر اقتصاد سنتی است که این که نعش مالک ده (نماینده اقتصاد کشاورزی) با آن از ده خارج می‌شود؛ تراکتور نماد تحول وسایل کار کشاورزی از سنتی به صنعتی است چنان که گاو و سوخت حاصل از آن متحول به آهن‌پاره و نفت می‌شود؛ مرغداری صنعتی نمادی از پیروزی بهاییت بر اسلام است که این که از طرفی صاحب آن یهودی بهایی شده است و از طرف دیگر مردم این را نشان خروج از دین و دخالت در کار خلقت تلقی می‌کنند؛ چاه عمیق نمادی از انحصاری شدن آب در دست توانگران وابسته به حکومت است. در عین حال مانند تیغی است که شریان زندگی و جریان آهسته و پیوسته آب قنات را از آبادی‌ها می‌برد و روستایی بی‌آب جز مهاجرت چاره‌ای ندارد؛ آسیاب موتور نمادی است از صنعتی که نیروی محلی را باطل کرده، روستایی را وابسته به نفت کمپانی می‌کند؛ برق سبب تزلزل اعتقاد شاعرانه روستاییان می‌شود؛ وسایلی مانند تیغ پشم‌چینی اسباب بی‌کاری زنان و مردان ده و وابستگی آنان به صنایع غرب را فراهم می‌کنند. بدین ترتیب هر یک از این‌ها به نوعی قایم مقام یک شخصیت داستانی است.

آل احمد «فوائد خدمتی» این امکانات را نادیده می‌انگارد و صرفاً به تحولات مترتب بر آن‌ها توجه می‌کند. یعنی این‌ها را نه در دل یک نظام بزرگ، بلکه در دل یک بخش بسیار کوچکی از یک نظام بزرگ، فارغ از تعامل با دیگر بخش‌ها در طول زمان‌ها، بررسی کرده، کل این‌ها را به حال ایرانی مضر ارزیابی می‌کند. مثلاً در صدد این نیست که به پیامدهای اقتصادی برق در کل نظام اجتماعی ایران عنایتی منصفانه داشته باشد، حال آن که منافع برق در جهان قابل کتمان نیست. در این گونه موارد، همه‌جانبه‌نگری و مطالعات دور از جزم‌اندیشی‌های قالبی ایجاب می‌کند که کل نظام اجتماعی یک پارچه چون یک سیستم فعال دینامیکی دیده شود که اجزای تابع و مؤلفه‌های نظام‌مند آن نقش خدمت‌گزاری در آن را دارند. باید یکی از اهداف تئوری‌پرداز مطالعات اجتماعی تبیین خدمت خاص هر تابع در دل کل سیستم اجتماعی در طول زمان و در تفاعل و تعامل با دیگر اجزا باشد.

نباید این نکته را نادیده گرفت که پدیده اجتماعی اگر فایده خدمتی در نظام بزرگ اجتماع نداشته باشد یا نیازی را جبران نکند یا سودش بیشتر از زیانش نباشد، معمولاً اختراع نمی‌شود یا اگر به فرض اختراع شد، نمی‌تواند وارد اجتماع شود و یا اگر وارد شد، نمی‌تواند بقای خود را به مدتی طولانی حفظ کند. از این که مصنوعات غرب وارد ایران می‌شوند، صرف نظر از برنامه‌های حکومت و فروش نفت و خرید ماشین، و تحولات متعاقب آن، باید به فواید آن‌ها، جبر تاریخ و مقتضیات زمینه‌های اجتماعی جامعه نیز نظری کرد و به اختیار عاقلانه مردم نیز اعتباری داد.

۲-۳- بی‌توجهی به روابط علی استقرایی (مدل سوم)

تبیین یک پدیده ممکن است به اعتبار علل و عوامل ایجاد کننده آن باشد. در این صورت آن را تبیین علی می‌نامیم. در این مدل حوادث به شرطی با یکدیگر پیوند علی دارند که قوانینی خاص علت^{۲۱} را به معلول ربط دهند. برای مبرهن کردن ربط علی آن حوادث باید از مکانیسم علی^{۲۲} ربط دهند آن‌ها پرده برداریم. گاهی رابطه پدیده‌ها بر اثر مکانیسم علی مستقیم (بی‌واسطه) است، یعنی پدیده‌ای علت مستقیم پدیده‌ای دیگر است و گاهی بر اثر مکانیسم علی غیر مستقیم (باواسطه) است. یعنی دو پدیده منبعت از شرط دیگری است.

یکی از راه‌های مطالعه علی پدیده‌های اجتماعی اقدام به روش استقرا است؛ یعنی از استقفا در نمونه‌ها به تئوری قابل تعمیم رسیدن. در این روش اختیار فاعلان و معانی پدیده‌ها فراموش می‌شود.

راه دیگر مطالعه به روش قیاس منطقی است؛ یکی از شاخه‌های قیاس، احکام مربوط به یک چیز را در حق تمام چیزهای به ظاهر مشابه آن صادق دانستن است. یکی از مصداق‌های تبیین علی در این رمان، سرنوشت بی‌بی است. وی دارای شخصیتی نمادین و قابل تعمیم به تمام افراد طبقه خود است. پیرزنی علیل که پسرانش به اروپا و پایتخت مهاجرت کرده‌اند و به تنهایی نمی‌تواند زمین‌های خود را مدیریت کند، ناچار صیغه مردی می‌شود که سابقه «حزب‌بازی» دارد و بعد از عقد صیغه، او را مباشر خود می‌کند. پیر بودن او، رمزی از نابودی حتمی زمین‌داری بزرگ است؛ صیغه شدن او به مردی با آن شرایط، رمزی است از دخالت بعضی از احزاب در تصویب قانون اصلاحات ارضی؛ رفتن پسران او از ده، رمزی است از گذر ایران از کشاورزی به تجارت و مشاغل خدماتی. این پیرزن در قلعه اربابی، در ده، در حکم یک «شاه بدون تاج و تخت» (مصباحی‌پور، ۱۳۵۸: ۱۸۰) است. در حقیقت مرگ او، مرگ قدرت‌های محلی و استقلال اقتصادی و زمین‌داری بزرگ است. مرگ این ارباب یکی از نمادهای برجسته این رمان و از مصداق‌های تبیین علی تحول فئودالیسم به بورژوازی است.

مرگ او زمانی اتفاق می‌افتد که کامیون، رادیو، آسیاب موتوری، تعاون روستایی و مهم‌تر از همه مرغداری صنعتی به ده می‌آید. سه مورد اول نمادی از آثار ارتباط ایران با غرب و دو مورد بعدی نمادی از نتایج اصلاحات ارضی هستند. از آن جا که مؤسس مرغداری زمین کارخانه را از قبل قانون اصلاحات ارضی به دست می‌آورد و خود یهودی بهایی شده است، از نظر آل احمد اصلاحات ارضی بهانه قانونی مناسبی است تا حکومت بتواند اقتدار محلی را از بین ببرد و خاک ایران را مانند فلسطین در اختیار بیگانگان قرار دهد (آل احمد، ۱۳۵۷: ۲۶۶-۲۶۷) و بهاییت را با اقتصاد جدید تقویت کند تا بتواند به خواست‌های بین‌المللی خود برسد. بدین جهت با آمدن مرغداری آشوب به پا می‌شود، در حین آشوب بی‌بی می‌میرد و آن یهودی بهایی شده در ماتم او شرکت می‌کند و نعش او بر دوش پسرش (نماینده تحول فئودالیسم به بورژوازی) و مدیر مدرسه (نماینده

تحول آموزش سنتی به نوین) حمل می‌شود و با کامیون به قم می‌رود و به اصطلاح فاتحه زمین‌داری بزرگ خوانده می‌شود.

با این توضیحات بدیهی به نظر می‌رسد که از نظر آل‌احمد، نفت موجب وابستگی حکومت به غرب، وابستگی، باعث اجرای قانون اصلاحات ارضی، اجرای این قانون، موجب ویرانی ده و این هم سبب رشد متورم‌گونه شهر می‌شود. در نهایت ایرانی مغلوب و کمپانی‌های غربی غالب می‌شوند. کل این روابط را مدلول یک مکانیسم علی دیدن و پدیده‌های نو را با تبیین علی تفسیر کردن، بی آن که اصول استقرا یا قیاس منطقی بر آن حاکم باشد، مقداری غیر علمی به نظر می‌رسد و این گمان را القا می‌کند که نویسنده از طرفی نتوانسته «از دانش نظری به عنوان پشتوانه مطالعات و تحقیقات خود درباره ایران و غرب... بر مدار سنت و تجدد استفاده کند» (محمودی، ۱۳۸۵: ۳۸) و از طرف دیگر عوامل بیرونی تحولات را بر تمام عوامل اصلی و درونی ترجیح داده و نظریات شخصی خود را به جای نتایج بررسی‌های علمی نهاده و در جنگی که بین سنت و تجدد به راه انداخته، تجدد را قایم مقام یک خصم مهاجم ستمگر قلمداد کرده است حال آن که در کنار سائقه‌هایی که از تجدد ایجاد می‌شود، باید علل و عوامل درونی تحولات ایجاد شده در سنت را هم دید و در تبیین علی، هم جایگاه اصلی هر علتی را - در حدی که در تحولات دخیل است- به آن بخشید و هم علل و عوامل مستقیم و غیر مستقیم را از هم تفکیک کرد و هم به قوانین خاصی که علل را به معلول‌ها ربط می‌دهند، یعنی به مکانیسم علی اعتبار لازم را داد.

۳- انگیزه‌های فکری و محیطی آل‌احمد

آل‌احمد به حکم رسالتی که از قبیل روشنفکر بودن بر دوش خود احساس می‌کند و در یک دوره متأثر از «بحران تاریخی و تمدنی» که بر اثر آن «بسیاری از بنیان‌های... فرهنگی را لرزان» (عبدالکریمی، ۱۳۸۹: ۴) و فرهنگ و تمدن ایرانی را در میان دو تیغه مقراض سوسیالیسم و کاپیتالیسم در خطر می‌بیند،^{۲۳} به طرح مسائل اجتماعی می‌پردازد. در این خصوص در اصل با مصداق‌های غالب تئوری‌های اجتماعی مارکس مخالفت می‌کند و می‌کوشد که هیچ یک از تئوری‌های وی در ایران تحقق نیابد و اقتصاد ماشینی جای سنن و معتقدات و ارزش‌ها و عوالم

والای انسانی را نگیرد اما بر خلاف این، اصلاحات ارضی را مجرای تحقق برخی از تئوری‌های مارکس می‌یابد.

اصلاحات ارضی که در ایران «بیشتر با هدف سیاسی و به منظور تحکیم موقعیت رژیم»^{۲۴} (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۹۰) به وقوع می‌پیوندد، از نظر آل‌احمد برای استقلال ایران در تمام عرصه‌ها خطر بزرگی محسوب می‌شود. محرک و مبدع تقسیم اراضی خواه کاپیتالیسم غرب باشد، خواه توطئه‌های پنهان مبلغان مارکسیسم روسی و خواه حکومت ایران، به هر تقدیر باید از اجرای قانون اصلاحات ارضی پرهیز کرد. او همان قدر که از خطرات کاپیتالیسم می‌ترسد از تحقق تئوری‌های مارکس می‌ترسد. با تحقق یافتن اغراض غربیان در ایران پیش‌گویی‌های مارکس، یعنی خالی شدن روستاها به نفع شهرها، به وقوع می‌پیوندد که خلاف خواست آل‌احمد است. البته عناد با پیش‌گویی‌های مارکس به نوعی عناد با حزبی است که آل‌احمد از آن انشعاب کرده است. چون مبلغ (قرائت خاصی از) اندیشه‌های مارکس حکومت استبدادی شوروی و نماینده آن در ایران حزب توده است.

۴- نظام مطلوب آل‌احمد

آل‌احمد بدون توجه به مقتضیات و امکانات و محدودیت‌های عصر، می‌خواهد ایرانی به قیود نظام‌های سنتی و ارزش‌های مألوف پای‌بند و از نظام‌های اجتماعی جدید دور ماند. یک نمونه ساختار اجتماعی سنتی را از رمان نفرین زمین چنین می‌توان استنباط کرد: معنویات و باورهای شاعرانه متصل به عالم اساطیر و حقایق نامکشوف و خارج از محدودیت‌های عقل تجربه‌گرا که از استوانه‌های تجدد نوظهور ایران محسوب است؛ اجتماع سنتی بومی که پیران قوم تنها منابع فکری و عملی و قضایی و تکیه‌گاه فرهنگی به حساب می‌آیند؛ اقتصاد وابسته به آب و خاک. در این حال مردم در محل زیست خود محصور محیط‌بند و با شهر و مراکز تجاری جدید و فرهنگ آن ارتباط ندارند. حداقل مایحتاج خود را تهیه می‌کنند و در فکر کار سودآور نیستند که مستلزم روابط بازرگانی تحفه اقتصاد کاپیتالیستی قرن بیستم است. صرفاً به برآوردن نیازهای اولیه و اساسی زندگی خود که در حد بدایت خلقت است، با قناعت و خرسندی مقرون به عزت نفس که در ساختار حاکم تولید و مصرف معاصر پایمال می‌شود، می‌اندیشند.

نتیجه

رمان نفرین زمین مهم‌ترین اثر داستانی آل احمد است که در آن مسائل مهم عصر خود از جمله اصلاحات ارضی را مطرح کرده است. اگرچه نظریات اجتماعی او در این رمان با مدلی از مدل‌های تبیین در علوم اجتماعی تطابق کامل ندارد، در تطبیق با سه مدل «علت کاوی»، «معنی کاوی» و «تبیین خدمتی» نقد آن آسان‌تر و روش‌مندتر است. از نقد آن می‌توان گفت که تئوری اجتماعی او قابل تعمیم نیست.

آل احمد به چند دلیل در تبیین پدیده‌ها و احراز مقدمات پیش‌گویی‌های کلان ناموفق است: نخست این که او در دانش اجتماعی مذاقه و استقصای لازم را ندارد و در عین حال از هر گونه نظم قانون‌وار که قلم را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند، گریزان است حال آن که بدون تبعیت از نظم قانون‌وار نمی‌توان به تبیین و تحلیلی قابل تعمیم و معتبر رسید؛ دیگر این که مانند مارکس جامعه را در حکم پاره‌ای از طبیعت می‌بیند و عناصر مزاحم از نوع اختیار فاعلان و اعتبار افعال و فواید خدمتی پدیده‌ها را کنار می‌گذارد و به جای این که از درون امور را تجربه کند، از بیرون در آن‌ها تصرف می‌کند. یعنی به جای این که از عالم درون آدمیان در تحولات اجتماعی خبر دهد، از علل، آن هم از دید اقتصادی، خبر می‌دهد. آدمیان را مانند لوازم جانبی می‌بیند که به نیروی کور ماشین مطابق شرایط آن، متحول می‌شوند. بی‌آن که انواع تحولات را با توجه به تجارب ملل دیگر تبیین کند، به مقیاس تئوری برخاسته از این جهان‌نگری، تبیین می‌کند. بر اثر این روش، مفاهیم آثار او اغلب مجرد و کل شخصیت‌های آثارش نمادینند. بدین جهت کمتر صحنه یا شخصیت یا رفتاری می‌توان در آن یافت که شخصی و جزئی و مقطعی و قابل استناد به فردانیت کسی یا چیزی باشد. اگر هم بتوان سیمایی از واقعیت را در شخصیت‌های آن منعکس شده یافت، آن شخصیت بیش از آن که نماینده خود باشد، نماینده تیپ یا قشری است که خود فرد برجسته‌ای از آن به حساب می‌آید.

این گونه نگاه تئوریک او به پدیده‌های اجتماعی ایران، بیش از هر چیز، تابع عناد او با حکومت است. یکی از دلایل خصومت آشتی ناپذیر او با حکومت، فدا کردن معناکاوی در پای علت‌کاوی پدیده‌هاست که به قلب واقعیت منجر می‌شود. یعنی او به جای این که به معانی و دلایل اعتباری

و متفاوت در پدیده‌های متعدد توجه کند، همه پدیده‌ها را شبیه هم و تابع یک محرک معرفی می‌کند و علل تمامی آن‌ها را در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی حکومت می‌جوید. فضایی آلوده به یأس را به تصویر می‌کشد، رفتارهای حکومت و عمدتاً فروش نفت را عامل آن معرفی می‌کند. در این صورت، در واقع تأملات نامجرب خود را بر واقعیات موجود و تحولات جدید تحمیل می‌کند.

پی نوشت

۱- به دلیل ناسازگاری دایمی روشنفکر با نظام‌های تنفیذ قدرت و دیگر اوصافی از این قبیل، ادوارد سعید این قشر اجتماعی را «روح مخالف» جوامع می‌نامد (سعید، ۱۹۹۴: XV) و بندها نیز در این مورد با او هم عقیده است (بندها، ۱۹۶۹: ۴۳)، نیز رک. (خویی، ۱۳۵۷: ۲۸-۲۹).

۲- آل احمد به علت وابستگی سران حزب توده به شوروی از آن حزب جدا شد و تا آخر عمر علیه آن قلم زد. البته کسی وابستگی آنان به مسکو را رد نکرده است (در این مورد رک. ذبیح، ۱۳۶۴: ۱۵-۲۰ و ۱۳۹-۱۶۴؛ نیز جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۸۹-۹۵).

۳- در این جا تجدد معادل Modernity است.

۴- Metropolis

۵- دو مورد از شروط اصلی روشنفکری، آزادی و وارستگی است. روشنفکرانی را که با تعهد به قدرتی خاص، این شروط را فرو می‌نهند و مبلغ ایدئولوژی خاصی می‌شوند که در خدمت استبداد است، ایدئولوگ باید دانست نه روشنفکر. (آل احمد، ۱۳۵۷: ۱۷۳). آل احمد برای تعبد و تعصب روشنفکران علل و عوامل و عواقب متعددی برشمرده است. برای مطالعه آن‌ها می‌توان به آل احمد ۱۳۵۶ و آل احمد ۱۳۵۷ رجوع کرد. علاوه بر آل احمد دیگران هم از روشنفکران منفع‌نالیده‌اند (رک. وثوقی، ۱۳۶۴: ۲۷-۲۸).

۶- آل احمد از طرفی با هواداران تجدد مخالفت می‌کند و از طرف دیگر خود را روشنفکر می‌داند. این جا تناقض در اندیشه او پیش می‌آید. باید او را روشنفکری علیه روشنفکران دانست.

۷- در این جا از ذکر سوابق آن چشم می‌پوشیم. علاقه‌مندان می‌توانند به آجودانی، ۱۳۸۳ و کرمانی ۱۳۷۶ مراجعه کنند.

۸- در مورد آثار ترجمه شده رک. زرین کوب، ۱۳۶۱: ۶۳۴/۲-۶۳۸ و آجودانی، ۱۳۸۳: ۲۱۲-۲۱۹. در مورد خطر نفوذ اروپا نسبت به اعتقادات مردم، ثقة‌الاسلام از خطر مبلغان مسیحی هشدار می‌دهد. رک. آجودانی، ۱۳۸۳: ۳۷.

۹- Feudalism

۱۰- به تصریح او اصلاحات ارضی حاصل جبر ماشین است: «جبر مصرف ماشین شهرنشینی می‌آورد و شهرنشینی... دنباله‌ای است از کنده شدن از زمین... و این است نخستین تضادی که حاصل غربردگی ماست» (آل احمد، ۱۳۵۶: ۹۵).

۱۱- Subject

۱۲- در مورد رابطه فرهنگ و تجدد رک. رنجبر، ۱۳۸۹.

۱۳- Theme

۱۴- غرض از ماشین کل مصنوعات و ابداعاتی است که از کشورهای صنعتی وارد ایران می‌شوند اعم از سدسازی و تراکتور و آسیاب موتوری و چرخ خیاطی و ساندویچ و طبقات اجتماعی حاصل از این‌ها و سینما و رادیو و ...

۱۵- «ساختارهای اجتماعی نظاماتی هستند با دوام و سامان‌بخش که با تعیین فراخناها و تنگناها هدایت‌گر و محدودکننده یا الهام‌بخش رفتار آدمیانند» (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۸).

۱۶- غرض از تئوری در این‌جا «مجموعه‌ای از روابط بین متغیرها است که یک پدیده را توصیف، تبیین، پیش‌بینی یا کنترل می‌کند» (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۴).

۱۷- میان حکومت غربزده و فروش نفت پیکان دو طرفه است. معلوم نکرده است که حکومت غربزده ناگزیر است که نفت را بفروشد یا وجود نفت در ایران ایجاد کرده است که حکومت دست غربزدگان باشد. این دو می‌توانند جای همدیگر بنشینند. علاوه بر این باید افزود: در این نظام رابطه پدیده‌ها یا بر اثر مکانیسم علی مستقیم (بی واسطه) یا بر اثر مکانیسم علی غیر مستقیم (با واسطه) و یا بر اثر تلازم است. رابطه فروش نفت و ورود ماشین مصداق مکانیسم علی مستقیم (اولی علت دومی) است. رابطه غربزدگی حاکمان با آن دو، مصداق مکانیسم علی غیر مستقیم است؛ یعنی غربزدگی حاکمان علت مستقیم آن دو پدیده نیست بلکه شرط آن دو است. بدین جهت غربزدگی حاکمان و نفت در مکانیسم علی تزلزل فرهنگی گاهی جای هم می‌نشینند. با این توضیح که گاهی غربزدگی حاکمان موجب فروش نفت، و ورود ماشین از ملازمات آن و گاهی وجود نفت موجب غربزدگی حاکمان، و ورود ماشین از ملازمات آن است. گاهی هم ماشین علت تجدد یا تحول فرهنگی محسوب نیست بلکه شرط لازم و کافی برای تحولات جدید ایران باید تلقی شود.

۱۸- در این جا تبیین معادل explanation است.

۱۹- عامل آن است که در فراهم شدن علل یا از طرق دیگر در یکی از رفتارهای پدیده اعم از وقوع و تحول و غیر آن دخالت غیر مستقیم دارد و علت محسوب نمی‌شود، مثل رفتارهای سوجدویانه انسان که به طور غیر مستقیم منتج به وقوع یا تحول پدیده می‌شود در حالی که فاعل قصد مستقیم حصول آن را ندارد و دیگران آن را چنان تفسیر می‌کنند.

۲۰- لیتل (۱۳۷۳) سعی کرده است که تمام مدل‌های تبیین را معرفی کند. علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی با نظریات تبیین به آن مراجعه کنند.

۲۱- مقصود از علت، پدیده یا حال و شرطی است که مستقیماً در یکی از رفتارهای پدیده اعم از وقوع یا تحول و غیر آن دخالت دارد.

۲۲- در این جا مکانیسم علی عبارت است از رشته‌ای از حوادث که خود محکوم نظم قانون‌وار است و از علت شروع می‌شود و به معلول ختم می‌شود. نظم قانون‌وار «نظمی است حاکم بر حوادث که منبعث از خواص و قوای یک دسته اشیای مختلف است و رفتار و تعامل آن‌ها را می‌تواند توضیح دهد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۶).

۲۳- در مورد بحران تاریخی و فرهنگی بر اثر نزاع سنت و تجدد، رک. عبدالکریمی، ۱۳۸۹.

۲۴- اگر چنین غرضی در این ماجرا بوده است، نباید آن را کل علل دانست. زیرا هم‌زمان با وقوع اصلاحات ارضی در ایران، با کما بیش فاصله‌های زمانی، در اکثر کشورهای جهان این بر نامه به اجرا در می‌آمد و ایران هم یکی از آن‌ها بود. این همه از تحولات اجتناب‌ناپذیر جهان و از مقتضیات محیط و زمان بود. آل احمد نه تنها دو عامل تحکیم پایه‌های حکومت و رونق بخشیدن به بازار مصرف مصنوعات غربی را کل علت اجرای برنامه اصلاحات ارضی قلمداد می‌کند، بلکه کل تجارب جهانی را نادیده می‌گیرد.

منابع

- ۱- آجودانی، ماشاءالله، (۱۳۸۳)، مشروطه ایرانی، تهران، چاپ دوم، تهران، نشر اختران.
- ۲- آل احمد، جلال، (۱۳۵۶)، غربزدگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات رواق.
- ۳- ----- (۱۳۵۷)، در خدمت و خیانت روشنفکران، چاپ سوم، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ۴- ----- (۱۳۷۳)، مدیر مدرسه، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۵- ----- (۱۳۵۷ش)، ارزیابی شتابزده، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۶- ----- (۱۳۵۷ک)، کارنامه سه ساله، چاپ اول، تهران، انتشارات رواق.
- ۷- ----- (۱۳۵۷ن)، نفرین زمین، چاپ دوم، تهران، انتشارات رواق.
- ۸- ----- (۱۳۷۳)، اورازان، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۹- ----- (۱۳۸۴)، سفر به ولایت عزرائیل، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۰- جمعی از پژوهشگران، (۱۳۸۷)، حزب توده، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- ۱۱- خوبی، اسماعیل، (۱۳۵۷)، آزادی، حق و عدالت (مناظره اسماعیل خوبی با احسان نراقی)، چاپ اول، تهران، کتابهای جیبی.
- ۱۲- دادور، المیرا، (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل رمان نفرین زمین آل احمد»، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، بهار، ش. ۱۹۰، ص ۴۷-۵۶.
- ۱۳- دانایی فرد، (بدون نام)، (۱۳۸۸)، «نظریه پردازی در علوم انسانی» (گفت و گو با دانایی فرد)، [مجله] هم اندیشی، شماره هفتم، پاییز، ص ۸-۱۳.
- ۱۴- دستغیب، عبدالعلی، (۱۳۷۱)، نقد آثار جلال آل احمد، چاپ دوم، تهران، نشر ژرف.
- ۱۵- دورافور، پیرلیک، (۱۳۸۴)، شهرهای جهان، ترجمه یدالله فرید، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- ۱۶- ذبیح، سپهر، (۱۳۶۴)، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، چاپ اول، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی.
- ۱۷- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۱)، نقد ادبی، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۸- شیخ رضایی، حسین، (۱۳۸۵)، نقد و تحلیل و گزیده داستانهای جلال آل احمد، چاپ اول، تهران، نشر روزگار.
- ۱۹- عبدالکریمی، بیژن، (۱۳۸۹)، «جلال آل احمد، غربزدگی و ضرورت بازگشت به سنت»، غرب شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، نسخه الکترونیکی.

- ۲۰- قاضیان، حسن، (۱۳۸۶)، جلال آل احمد و گذار از سنت به تجدد، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر.
- ۲۱- کرمانی، ناظم الاسلام، (۱۳۷۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ پنجم، تهران، نشر پیکان.
- ۲۲- کمالی بانایانی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، تکاپو در یأس، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید شیراز.
- ۲۳- لیتل، دانیل، (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- ۲۴- محمودی، سیدعلی، (۱۳۸۵)، آل احمد و تنگناهای روش شناختی، نشریه آیین، شماره ۴، مهر، نسخه الکترونیکی.
- ۲۵- مصباحی پور، جمشید، (۱۳۵۸)، واقعیت اجتماعی و جهان داستان، چاپ اول، تهران، امیر کبیر.
- ۲۶- نجمی، شمس الدین و عاطفه درویشان، (۱۳۸۸)، دکتر میرزا علی اکبر خان کرمانی، [فصل نامه] پژوهشگران فرهنگ، سال ۷ ش، ۲۳، بهار، صص ۳۱-۶۲.
- ۲۷- وثوقی، ناصر، (۱۳۶۴)، جهان بینی و پیامش، به کوشش علی دهباشی، یادنامه جلال آل احمد، تهران، انتشارات پاسارگاد، صص ۲۵-۵۲.
- ۲۸- وثوقی، منصور، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی روستایی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کیهان.
- ۲۹- هریسون، پل، (۱۳۶۴)، درون جهان سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات فاطمی.
- 30- Benda, Julien, *The Treason of the Intellectuals*, trans. Richard Aldington, London, W.W. North, 1969.
- 31- Said, Edward Wadie, *Representations of the Intellectual: The 1993 Reith lectures*, London, Pantheon Books, 1994.